

تأثیر گرایش‌های آسیب‌زای عاطفی با جنس مخالف در پسران بر عملکرد تحصیلی آنها

شهرام رنج دوست^۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۴

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی تأثیر گرایش‌های آسیب‌زای عاطفی دانش‌آموزان پسر (پایه اول دبیرستان) با جنس مخالف بر افت تحصیلی آنهاست. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان‌های پسر شهر مرند در سال ۹۳-۱۳۹۲ است که از این جامعه آماری تعداد ۶۰ نفر (۳۰ نفر بدون گرایش عاطفی و ۳۰ نفر دارای گرایش عاطفی) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و در پژوهش شرکت داده شدند. روش پژوهش توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای (پس رویدادی) است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل معدل (پیشرفت تحصیلی) دانش‌آموزان در دروس ریاضی، زبان انگلیسی و علوم زیستی و بهداشت و پرونده‌های مشاوره‌ای بود که از طریق دفتر مشاوره تهیه شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش‌های آمار توصیفی (درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی t مستقل جهت مقایسه گروه‌ها استفاده شده است. نتایج حاصله از تحقیق نشان داد میانگین نمرات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی (۲۷/۱) کمتر از میانگین نمرات پیشرفت تحصیلی (۵۴/۷) دانش‌آموزانی است که دارای گرایش عاطفی به جنس مخالف نیستند. درعین حال هرچقدر گرایش‌های آسیب‌زای عاطفی دانش‌آموزان پسر (پایه اول دبیرستان) با جنس مخالف بیشتر بوده بر افت تحصیلی آنها (در دروس ریاضی، علوم زیستی و بهداشت و زبان انگلیسی) افزوده شده است.

واژگان کلیدی: آسیب، افت تحصیلی، دانش‌آموز پسر، گرایش‌ها

مقدمه

یکی از بحران‌های بزرگ نظام آموزشی در کشورهای مختلف، به‌ویژه کشورهای جهان سوم، مسئله افت تحصیلی است که از دیرباز مورد توجه مسئولان آموزشی بوده است.

۱. استاد یار گروه آموزش پزشکی، دانشکده آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. (نویسنده

بسیاری از مریبان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان برحسب دیدگاه‌های خاص خود به این مسأله نگریده‌اند و تعاریف گوناگونی نیز از آن ارائه کرده‌اند. در برخی از تعاریف، مراد از افت تحصیلی، آن است که افرادی شانس استفاده از امکانات آموزشی را پیدا می‌کنند ولی به عللی از مدرسه اخراج می‌شوند، ترک تحصیل می‌کنند و تجدیدی یا مردود می‌شوند، یا اینکه والدینشان آن‌ها را از ادامه تحصیل باز می‌دارند (اعظم^۱، ۲۰۰۷).

طبق گزارش برنامه عمران سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۱، نظام آموزش و پرورش کشور ایران در جهت نیل به اهداف توسعه علمی- فرهنگی و انسانی موفقیت مورد انتظار را نداشته است و طبق آمارهای ارائه شده در سال ۱۳۸۱، افت تحصیلی سالانه بیش از هزار میلیارد ریال هزینه در برداشته است (سلسیلی و قاسمی، ۱۳۸۴).

علل گوناگونی زمینه‌ساز افت تحصیلی و احیاناً توقف در نابرابری امکانات آموزشی در شهر و روستا، محرومیت برخی از گروه‌ها مثل غیربومی‌ها، مهاجران و محدودیت‌های مالی کشورها و از عوامل درون‌سازمانی، شیوه‌های انتخاب و تربیت معلمان، کیفیت تدریس معلمان و روش‌های ارزشیابی سبب افت تحصیلی می‌شوند. اغلب محققان و صاحب‌نظران عوامل شکست تحصیلی را دو دسته عوامل تحت عنوان، عوامل درون‌سازمانی (سیستم آموزشی) و برون‌سازمانی (سیستم اجتماعی) ذکر می‌کنند. از عوامل برون‌سازمانی به مواردی نظیر تعدد زبانی انتخاب اهداف آموزشی، استفاده از فناوری‌های آموزشی و تنظیم تقویم و ساعت آموزشی اشاره می‌کنند (شرفی، ۱۳۷۴).

در تقسیم‌بندی مشابه دیگری شعاری‌نژاد (۱۳۷۶) عوامل افت تحصیلی را به دو دسته علل داخلی و خارجی تقسیم می‌کند، علل داخلی را متوجه نظام آموزشی و مدرسه می‌داند و علل خارجی را که خود به دو دسته علل اجتماعی- خانوادگی نظیر دوستان ناباب، استفاده نادرست از کلوپ‌های ورزشی، استفاده نادرست از کافی‌نت‌ها و گیم‌نت‌ها، گذراندن وقت زیاد در خیابان‌ها و خارج از منزل، داشتن ارتباطات آسیب‌زای عاطفی با جنس مخالف و علل فردی از قبیل؛ انگیزه، توجه، آشفستگی‌های عاطفی و هیجانی، جنسیت و نارسایی‌های جسمانی می‌داند.

از میان عوامل فوق‌الذکر درافت تحصیلی دانش‌آموزان بنا بر اظهار مشاوران مدارس و معلمان و با مراجعه به پرونده‌های تحصیلی دانش‌آموزان می‌توان به داشتن ارتباطات آسیب‌زای عاطفی دانش‌آموزان مخصوصاً دانش‌آموزان پسر با جنس مخالف اشاره کرد. منظور از ارتباطات آسیب‌زای عاطفی فرایند پسندیدن، تمایل و سمت‌گیری یا نزدیکی به جنس مخالف است که معمولاً این امر در دوران نوجوانی اتفاق می‌افتد و عمدتاً از طریق معاشرت‌های پنهان یا آشکاری است که پسران و دختران به صورت نامتعارف و نامشروع که از نظر عرف و فرهنگ جامعه‌ی ما نکوهیده است به طرق مختلف از جمله ردوبدل کردن نامه، تماس‌های تلفنی و یا ملاقات‌های حضوری و گاه‌ها ارتباطات جنسی برقرار می‌شود، این دوستی‌ها فرجام و سرانجام ابهام‌آمیزی دارند و روش و مسیر صحیحی در آن‌ها طی نمی‌شود (کوثری، ۱۳۷۴).

باید توجه داشت که امروزه دوستی‌ها و معاشرت‌های خارج از مدار آگاهی خانواده‌ها با ویژگی‌های عنوان‌شده در بین نوجوانان و جوانان ابعاد گسترده‌ای یافته است. در دوستی‌های موجود بین پسران و دختران از آنجا که مقاومتی بسیار قوی از طرف پدر، مادر و جامعه برای ممانعت از برقراری این دوستی‌ها وجود دارد معمولاً این گونه روابط پنهان با مخاطرات گوناگونی همراه می‌گردد و آنچه پس‌از این دوستی‌ها باقی می‌ماند چیزی جز آسیب و مشکلات روانی، اجتماعی، تربیتی و آموزشی نظیر افت تحصیلی برای دانش‌آموزان نیست (حمدی، ۱۳۷۲). توضیح و توجیه این گونه مسائل با توجه به کارکردهای این دوستی‌ها بسیار اهمیت دارد و می‌باید از طرف مربیان و مسئولان جامعه با ظرافت خاصی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به مطالب فوق مسأله اساسی این تحقیق بررسی این سؤال است که: آیا روابط آسیب‌زای عاطفی با جنس مخالف در افت تحصیلی دانش‌آموزان پسر تأثیر دارد؟ توجه به مسائل فوق که می‌تواند مورد استفاده‌ی برنامه‌ریزان درسی، مدیران و مشاوران مدارس باشد ضرورت تحقیق حاضر را توجیه می‌کند.

مراحل تمایلات به جنس مخالف: نوجوان، در مراحل تمایلات به جنس مخالف، احساس ناشناخته و مرموزی در وجود خویش می‌یابد که آمیخته با نوعی محبت و علاقه به دیگران است و چند مرحله را به تدریج طی می‌کند:

در مرحله اول، ابتدا توجه نوجوان به وضع بدن معطوف می‌شود و این آغاز توجه و علاقه به امور جنسی است.

۱. در مرحله دوم، توجه و علاقه یا میل شدید، باعاطفه و محبت همراه می‌شود و به اصطلاح ماهیت عاطفی پیدا می‌کند.

۲. در مرحله سوم، علاقه به جنس مخالف بیشتر می‌شود و به‌طور مقدماتی عشق و علاقه‌ی آن‌ها ممکن است هرکسی را هدف قرار دهد. لذا چندین نفر ممکن است مورد علاقه‌ی نوجوان، به‌طور اخص، واقع شوند.

۳. در مرحله چهارم، علاقه‌ی معطوف به چند نفر، تغییر جهت داده و به‌جانب یک نفر از جنس مخالف هدایت می‌شود. این فرد، ممکن است قدری مسن‌تر از خود نوجوان باشد و نوجوان احتمالاً با این شیوه می‌خواهد مورد پشتیبانی قرار گیرد.

۴. در مرحله پنجم، نوجوان تغییر عقیده داده و متوجه فردی از جنس مخالف می‌شود که تناسب سنی با او داشته باشد (دیس، ۱۳۵۳).

بر اساس تحقیقی که دپارتمان آموزش آمریکا به نقل از ساموئلز^۱ (۲۰۰۸) در مورد دلایل افت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی انجام داده است مسائل و مشکلات عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان دبیرستانی را از دلایل افت تحصیلی آن‌ها ذکر کرده است.

پژوهش حسن‌پور و دلاویز (۱۳۷۳) تحت عنوان بررسی علل تشدید گرایش و برقراری رابطه با غیر هم‌جنس از دیدگاه دانش‌آموزان سال‌های سوم و چهارم متوسطه در استان مازندران انجام بیانگر نتایج زیر هست:

دانش‌آموزان مهم‌ترین عوامل در تشدید گرایش و ایجاد رابطه با جنس مخالف را به ترتیب ذیل عنوان نموده‌اند:

الف) پای‌بند نبودن جوانان به مسائل اعتقادی و اخلاقی

ب) تماشای برنامه‌های تلویزیونی خارجی و فیلم‌های ویدئویی و تحریرکات دیداری

ج) کمبود توجه و عدم محبت از سوی خانواده

د) پوشش تحریک‌کننده‌ی افراد جنس مخالف

حدود ۸۱٪ دانش‌آموزان نگرانی خود را از افشاء شدن روابطشان با جنس مخالف ابراز داشته‌اند که بیشترین نگرانی را به ترتیب نگرانی از تنبیه خانواده و احتمال از دست دادن شانس ازدواج دانسته‌اند. ترس از تنبیه مدرسه، کمترین نگرانی را داشته است. تأثیر عوامل خانوادگی در تشدید گرایش و ایجاد رابطه با جنس مخالف به این ترتیب بوده است:

الف) محرومیت عاطفی و روانی ۷۰٪

ب) وضع مالی خوب و متوسط خانواده ۷۰٪

ج) ضعف اعتقادات مذهبی و اخلاق در خانواده ۵۰٪

د) بی‌سواد بودن مادران ۵۰٪

ه) تفاوت سنی کمتر از ۲۰ سال فرزندان با والدین ۴۸٪

و) پوشش نامناسب اعضای خانواده ۴۱٪

ز) بی‌سواد بودن پدران ۲۷٪

ح) اختلافات خانوادگی ۲۵٪

تحقیق کوثری (۱۳۷۴) با عنوان « بررسی رابطه با جنس مخالف در دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی منطقه‌ی ۱۸ آموزش و پرورش شهر تهران بیانگر آن است، دانش‌آموزانی که از توجه و محبت کمتری در خانواده برخوردارند و با اعضای خانواده مخصوصاً با مادران رابطه‌ی عاطفی ضعیف‌تر داشتند و آن دسته از دانش‌آموزانی که مقررات شرعی (حجاب، ادای نمازهای واجب) را کمتر رعایت می‌کردند، بیشتر درگیر روابط آسیب‌زای عاطفی بودند. هم‌چنین نتایج بیانگر آن بود که دانش‌آموزانی که با جنس مخالف خود رابطه داشتند از موفقیت تحصیلی کمتری برخوردار بودند.

در تحقیقی که مشکلات و موانع ازدواج جوانان و به‌ویژه پسران مورد بررسی قرار گرفته، به این نکته اشاره شده که برخی جوانان برای ارضای غرایز طبیعی خود به ارتباط

با جنس مخالف بسنده می‌کنند و در نتیجه، وجود زمینه‌های انحرافی و روابط آزاد پسر را به‌عنوان یکی از عوامل افزایش سن ازدواج برشمرده است (سفیدگران، ۱۳۸۰؛ به نقل از سید نژاد، ۱۳۸۰).

احمدی (۱۳۷۲) در تحلیلی تربیتی بر روابط پسر و دختر در ایران، به‌ضرورت وظیفه تعلیم و تربیتی مسئولان نسبت به هویت‌یابی جنسی نوجوانان، نارضایتی از هویت جنسی، برخوردهای اجتماعی پسر و دختر، انواع برخوردهای نادرست علل تربیتی بروز روابط پنهانی بین پسر و دختر، برداشت‌های غلط از شرع در نحوه تنظیم رفتار پسر و دختر و همچنین راه‌حلی‌هایی برای تنظیم روابط پسر و دختر در جامعه پیشنهاد می‌کند؛ و نهایتاً پژوهش «بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نگرش والدین نسبت به روابط میان نوجوانان پسر و دختر در شهر تهران» توسط وثوقی و دائمی نشان می‌دهد که متغیرهای درجه دین‌داری والدین، رسانه‌های داخلی، گرایش به فرهنگ غرب، نیاز والدین به ازدواج موفق فرزندان، نوع جنسیت فرزندان دارای روابط معناداری با نگرش والدین نسبت به روابط پسر و دختر هستند.

روش پژوهش

روش انجام تحقیق به لحاظ جمع‌آوری اطلاعات از نوع تحقیقات علی - مقایسه‌ای (پس رویدادی) هست. چون هدف محقق این است که از طریق معلول (متغیر وابسته) که معدل دانش‌آموزان هست به علت احتمالی (متغیر مستقل) یعنی افت تحصیلی دانش‌آموزان پی ببرد. تحقیق مورد نظر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی هست.

جامعه آماری تحقیق کلیه دانش‌آموزان پایه‌ی اول دبیرستان‌های شهر مرند است و از این جامعه آماری تعداد ۶۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه (۳۰ نفر دارای گرایش‌ها عاطفی و ۳۰ نفر بدون گرایش‌ها عاطفی) از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و در پژوهش حاضر شرکت داده شد.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها معدل (پیشرفت تحصیلی) دانش‌آموزان و پرونده‌های مشاوره‌ای آنان بوده که از طریق دفتر مشاوره مدارس و پرونده‌های مشاوره‌ای تهیه گردیده است. در این راستا جهت جلب مشارکت و همکاری مدارس و به‌خصوص همکاران مشاور مجوزی

از اداره آموزش و پرورش شهرستان مرند گرفته شد. سپس جهت هماهنگی قبلی با مشاوران مدارس منتخب در رابطه با موضوع و روش پژوهش به وسیله‌ی محقق به قدر کافی جهت شناسایی و معرفی دانش‌آموزان مورد نظر و ارائه‌ی اطلاعات لازم توجه گردید به طوری که در مرحله‌ی اجرا، با همکاری همکاران محترم مشاور، از هر یک از کلاس‌های پایه اول در رابطه با دانش‌آموزانی که مشخصاً و بر اساس شواهد کافی و تشخیص مشاور و یا مراجعه‌ی خود دانش‌آموز به اتاق مشاور لیستی تهیه شد و سپس از همان کلاس‌های پایه اول دانش‌آموزانی که ارتباطی با جنس مخالف نداشتند نیز شناسایی شدند و عیناً لیستی از آنها نیز تهیه شد. سپس اختلاف نمرات هر دو گروه از دانش‌آموزان در دروس ریاضی، زبان انگلیسی و علوم زیستی و بهداشت در دو نیم سال تحصیلی مورد بررسی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین، درصد فراوانی، انحراف معیار) و آمار استنباطی تی مستقل (جهت مقایسه گروه‌ها) استفاده شد.

جدول ۱. توزیع فراوانی دانش‌آموزان پایه‌ی اول بر حسب گرایش‌های عاطفی آسیب‌زا

گرایش‌ها عاطفی آسیب‌زا	تعداد	درصد
دارای گرایش‌ها عاطفی	۳۰	۵۰
بدون گرایش‌ها عاطفی	۳۰	۵۰
کل	۶۰	۱۰۰

نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌ها: فرضیه اول: گرایش‌های عاطفی آسیب‌زا درافت

تحصیلی درس ریاضی در دانش‌آموزان پسر پایه اول متوسطه مؤثر است.

برای آزمون فرضیه اول پژوهش، از آزمون آماری T دو گروه مستقل (t-test) استفاده شد. برای این منظور آزمون آماری مذکور بین نمرات درس ریاضی دانش‌آموزان دو گروه محاسبه شد. جدول شماره (۲) آمار توصیفی مربوط به تعداد، میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد نمرات ریاضی دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی و عدم گرایش عاطفی را نشان می‌دهد. میانگین نمرات ریاضی دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی (۸/۳۶) کمتر

از میانگین نمرات ریاضی (۱۷/۷۳) دانش‌آموزانی است که دارای گرایش عاطفی به جنس مخالف نیستند.

جدول ۲. آمار توصیفی نمرات ریاضی دانش‌آموزان به تفکیک گرایش عاطفی آنان

آماره‌ها		تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
گروه					
عدم گرایش عاطفی	نمره ریاضی	۳۰	۱۷/۷۳	۱/۸۳۷	۰/۳۳۵
گرایش عاطفی	گرایش عاطفی	۳۰	۸/۳۶	۱/۹۷۳	۰/۳۶۰

نتیجه بررسی نرمال بودن متغیر وابسته درس ریاضی دو گروه در جدول ۴ گزارش شده است. مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف اسمیرنوف در هر دو گروه دارای گرایش عاطفی و بدون گرایش عاطفی از ۰/۰۱ بیشتر است بنابراین دلیلی برای رد فرض صفر وجود ندارد و با اطمینان ۹۹ درصد نمرات درس ریاضی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

جدول شماره (۳)، نتایج آزمون آماری t-test را نشان می‌دهد، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سطح معنی‌داری آزمون لیون برای همگنی واریانس از ۰/۰۱ بزرگتر است که نشانگر مساوی بودن واریانس نمرات درس ریاضی در دو گروه دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی و عدم گرایش عاطفی است.

با توجه به آزمون تی دو نمونه‌ای مستقل، مقدار t به‌دست آمده ($t = ۱۹/۰۲۷$) با درجه آزادی ۵۸ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگتر است. همچنان که مقدار معناداری به‌دست آمده ($p < ۰/۰۱$) نیز از سطح آلفای ۰/۰۱ کمتر است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که گرایش به جنس مخالف بر افت تحصیلی درس ریاضی مؤثر بوده است.

جدول ۳. آزمون نرمال بودن متغیر وابسته درس ریاضی

	عدم گرایش عاطفی	دارای گرایش عاطفی
تعداد	۳۰	۳۰
پارامترهای نرمال	میانگین	۸/۳۶
	انحراف استاندارد	۱/۹۷
آماره آزمون	۰/۱۵۸	۰/۱۵۶
سطح معنی‌داری	۰/۴۰۳	۰/۴۱۹

جدول ۴. نتایج آزمون آماری t-test جهت مقایسه نمرات درس ریاضی

تفاوت خطای استاندارد	t-test برای مقایسه میانگین‌ها					تفاوت بینگین	سطح معناداری	درجه آزادی	T مقدار	سطح معناداری	T	آزمون لیون برای مقایسه واریانس‌ها	آزمون آماری
	تفاوت خطای استاندارد	تفاوت بینگین	سطح معناداری	درجه آزادی	T مقدار								
۰/۴۹۲	۹/۳۶	۰/۰۰۱	۵۸	۱۹/۰۲۷	۰/۳۵۵	۰/۸۷۱						درس ریاضی	متغیر وابسته

فرضیه دوم: گرایش‌های عاطفی آسیب‌زا درافت تحصیلی درس علوم زیستی در دانش‌آموزان پسر پایه اول متوسطه مؤثر است. برای آزمون فرضیه دوم پژوهشی نیز از آزمون آماری T دو گروه مستقل (t-test) استفاده شد.

برای این منظور آزمون آماری مذکور بین نمرات درس علوم زیستی دانش‌آموزان دو گروه محاسبه شد، که نتایج این محاسبات در ادامه ارائه شده است. جدول شماره (۵)، آمار توصیفی شامل تعداد، میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد نمرات علوم زیستی دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی و عدم گرایش عاطفی را نشان می‌دهد. میانگین نمرات علوم زیستی دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی (۹/۳۶) کمتر از میانگین نمرات علوم زیستی دانش‌آموزانی (۱۶/۷) است که دارای گرایش عاطفی به جنس مخالف نیستند.

جدول ۵. آمار توصیفی نمرات درس علوم زیستی و بهداشت دانش‌آموزان به تفکیک گرایش عاطفی آنان

آماره‌ها		تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
گروه					
نمره علوم	عدم گرایش عاطفی	۳۰	۱۶/۷	۲/۲۷	۰/۴۱۵
زیستی	گرایش عاطفی	۳۰	۹/۳۶	۳/۶۸	۰/۶۷۲

نتیجه بررسی نرمال بودن متغیر وابسته درس علوم زیستی دو گروه در جدول ۶ گزارش شده است. مشاهده می‌شود که سطح معنی داری آزمون کولموگروف اسمیرنوف در هر دو گروه دارای گرایش عاطفی و بدون گرایش عاطفی از ۰/۰۱ بیشتر است بنابراین دلیلی برای رد فرض صفر وجود ندارد و با اطمینان ۹۹ درصد نمرات درس علوم زیستی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

جدول شماره (۷)، نتایج آزمون آماری t-test را نشان می‌دهد، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سطح معنی داری آزمون لیون برای همگنی واریانس از ۰/۰۱ بزرگتر است که نشانگر مساوی بودن واریانس نمرات درس علوم زیستی در دو گروه دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی و عدم گرایش عاطفی است. مقدار t به دست آمده ($t = ۹/۲۸$) با درجه آزادی ۵۸ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر است. همچنان که مقدار معناداری به دست آمده ($p < ۰/۰۱$) نیز از سطح آلفای ۰/۰۱ کمتر است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که گرایش به جنس مخالف بر افت تحصیلی درس علوم زیستی مؤثر بوده است.

جدول ۶. آزمون نرمال بودن متغیر وابسته درس علوم زیستی

دارای گرایش عاطفی		عدم گرایش عاطفی	
۳۰	۳۰	تعداد	
۹/۳۶	۱۶/۷	میانگین	
۳/۶۸	۲/۲۷	انحراف استاندارد	
۰/۱۷۳	۰/۱۸۶	آماره آزمون	
۰/۲۹۵	۰/۲۲۲	سطح معنی داری	

جدول ۷. نتایج آزمون آماری t-test جهت مقایسه نمرات درس علوم زیستی

تفاوت خطای استاندارد	تفاوت میانگین				تفاوت سطح معناداری		تفاوت سطح معناداری	F مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری	F مقدار	آزمون لیون برای مقایسه واریانس‌ها	آزمون آماری
	تفاوت میانگین	سطح معناداری	سطح معناداری	سطح معناداری	سطح معناداری	سطح معناداری							
۰/۷۹	۷/۳۳	۰/۰۰۱	۵۸	۹/۲۸	۰/۰۵۳	۳/۸۹۴	درس علوم	زیستی					

فرضیه سوم: گرایش‌های عاطفی آسیب‌زا درافت تحصیلی درس زبان در دانش‌آموزان پسران پایه اول مؤثر است.

برای آزمون فرضیه سوم پژوهشی نیز از آزمون آماری T دو گروه مستقل (t-test) استفاده شد. جدول شماره (۸)، آمار توصیفی شامل تعداد، میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد نمرات زبان دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی و عدم گرایش عاطفی را نشان می‌دهد. میانگین نمرات زبان دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی (۱۰/۲) کمتر از میانگین نمرات زبان دانش‌آموزانی است که دارای گرایش عاطفی به جنس مخالف نیستند (۱۷/۷۳).

جدول ۸. آمار توصیفی نمرات زبان دانش‌آموزان به تفکیک گرایش عاطفی آنان

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	آماره‌ها	
				گروه	گروه
۰/۲۷۰	۱/۴۸	۱۷/۷۳	۳۰	عدم گرایش عاطفی	نمره زبان
۰/۳۱۲	۱/۷۱	۱۰/۲	۳۰	گرایش عاطفی	

نتیجه بررسی نرمال بودن متغیر وابسته درس زبان انگلیسی دو گروه در جدول ۸ گزارش شده است. مشاهده می‌شود که سطح معنی داری آزمون کولموگروف اسمیرنوف در هر دو گروه دارای گرایش عاطفی و بدون گرایش عاطفی از ۰/۰۱ بیشتر

است بنابراین دلیلی برای رد فرض صفر وجود ندارد و با اطمینان ۹۹ درصد نمرات درس زبان انگلیسی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

جدول ۱۰، نتایج آزمون آماری t-test را نشان می‌دهد، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سطح معنی‌داری آزمون لیون برای همگنی واریانس از ۰/۰۱ بزرگتر است که نشانگر مساوی بودن واریانس نمرات درس زبان انگلیسی در دو گروه دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی و عدم گرایش عاطفی است. مقدار t به دست آمده ($t = 18/22$) با درجه آزادی ۵۸ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر است. همچنان که مقدار معناداری به دست آمده ($p < 0/01$) نیز از سطح آلفای ۰/۰۱ کمتر است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که گرایش به جنس مخالف بر افت تحصیلی درس زبان مؤثر بوده است.

جدول ۹. آزمون نرمال بودن متغیر وابسته درس زبان انگلیسی

تعداد	عدم گرایش عاطفی	دارای گرایش عاطفی
۳۰	۳۰	۳۰
میانگین	۱۷/۷۳	۱۰/۲
پارامترهای نرمال	انحراف استاندارد	۱/۴۸
آماره آزمون	۰/۱۳۸	۰/۱۷۵
سطح معنی‌داری	۰/۵۷۰	۰/۲۸۴

جدول ۱۰. نتایج آزمون آماری t-test جهت مقایسه نمرات درس زبان انگلیسی

متغیر وابسته	آزمون لیون برای مقایسه واریانس‌ها		t-test برای مقایسه میانگین‌ها			
	F	سطح معناداری	T مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین بزرگ
درس زبان	۰/۰۳۲	۰/۸۵۹	۱۸/۲۲	۵۸	۰/۰۰۱	۷/۵۳
						تفاوت خطای استاندارد
						۰/۴۱۴۳

فرضیه چهارم: گرایش‌های عاطفی آسیب‌زا درافت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه اول دبیرستان مؤثر است.

برای آزمون فرضیه چهارم (فرضیه اصلی) پژوهشی نیز از آزمون آماری T دو گروه مستقل (t-test) استفاده شد. برای این منظور آزمون آماری مذکور بین جمع نمرات تحصیلی دانش‌آموزان دو گروه محاسبه شد. جدول شماره (۱۱)، آمار توصیفی شامل تعداد، میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد جمع نمرات پیشرفت تحصیلی (زبان، علوم زیستی و ریاضی) دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی و عدم گرایش عاطفی را نشان می‌دهد. میانگین نمرات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی (۲۷/۸۳) کمتر از میانگین نمرات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی است که دارای گرایش عاطفی به جنس مخالف نیستند. (۵۲/۳۳)

جدول ۱۱. آمار توصیفی نمرات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به تفکیک گرایش عاطفی

گروه	آماره‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
پیشرفت تحصیلی	عدم گرایش عاطفی	۳۰	۵۲/۳۳	۳/۱۸	۰/۵۸۱
	گرایش عاطفی	۳۰	۲۷/۸۳	۳/۸۲	۰/۶۹۸

نتیجه بررسی نرمال بودن متغیر وابسته پیشرفت تحصیلی دو گروه در جدول ۱۲ گزارش شده است. مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف اسمیرنوف در هر دو گروه دارای گرایش عاطفی و بدون گرایش عاطفی از ۰/۰۱ بیشتر است بنابراین دلیلی برای رد فرض صفر وجود ندارد و با اطمینان ۹۹ درصد نمرات پیشرفت تحصیلی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

جدول ۱۳، نتایج آزمون آماری t-test را نشان می‌دهد، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سطح معنی‌داری آزمون لیون برای همگنی واریانس از ۰/۰۱ بزرگتر است که نشانگر مساوی بودن واریانس نمرات پیشرفت تحصیلی در دو گروه دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی و عدم گرایش عاطفی است. مقدار t به‌دست آمده (t = ۲۶/۹۵) با درجه آزادی ۵۸ در سطح آلفای ۰/۰۵ از مقدار t

جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر است. همچنان که مقدار معناداری به دست آمده ($p < 0/01$) نیز از سطح آلفای ۰/۰۱ کمتر است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت: روابط آسیب‌زای عاطفی با جنس مخالف در افت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه اول دبیرستان مؤثر است.

جدول ۱۲. آزمون نرمال بودن متغیر وابسته پیشرفت تحصیلی

تعداد	عدم گرایش عاطفی	دارای گرایش عاطفی
میانگین	۵۲/۳۳	۲۷/۸۳
انحراف استاندارد	۳/۱۸	۳/۸۲
آماره آزمون	۰/۱۱۵	۰/۰۸۶
سطح معنی‌داری	۰/۷۸۵	۰/۹۶۷

جدول ۱۳. نتایج آزمون آماری t-test جهت مقایسه نمرات پیشرفت تحصیلی

تفاوت خطای استاندارد	تفاوت میانگین‌ها				تفاوت میانگین		متغیر وابسته
	سطح معناداری	درجه آزادی	T مقدار	سطح معناداری	F		
۰/۹۰۸	۲۴/۵	۰/۰۰۱	۵۸	۲۶/۹۵	۰/۵۵۰	۰/۳۶۲	پیشرفت تحصیلی

نتایج مربوط به نمرات دانش‌آموزان در دروس مختلف: نتایج مربوط به جدول شماره (۱۴) نمرات دانش‌آموزانی که در گروهی که گرایش عاطفی دارند قرار دارند را در سه درس زبان و ریاضی و علوم زیست به ما نشان می‌دهد. نتایج مربوط به جدول (۱۵) نمرات دانش‌آموزان یا گروهی که در گروه گرایش عاطفی قرار دارند را در سه درس زبان و ریاضی و علوم زیست به ما نشان می‌دهد.

جدول ۱۴. نمرات گروهی که گرایش عاطفی ندارند

ردیف	نمره ریاضی	نمره علوم زیست	نمره زبان	ردیف	نمره ریاضی	نمره علوم زیست	نمره زبان
۱	۱۹/۷۵	۱۷/۵۰	۱۳/۵۰	۱۶	۱۷/۷۵	۱۷/۵۰	۱۷
۲	۱۶	۱۳	۱۵/۷۵	۱۷	۱۷	۱۹/۷۵	۲۰
۳	۱۵/۵۰	۱۶/۵۰	۱۵/۵۰	۱۸	۱۴/۷۵	۱۶/۲۵	۱۵/۵۰
۴	۱۹/۷۵	۱۶	۱۸/۲۵	۱۹	۲۰	۲۰	۲۰
۵	۲۰	۱۹/۵۰	۲۰	۲۰	۱۶	۱۴/۷۵	۱۵/۵۰
۶	۱۹/۵۰	۱۹/۵۰	۱۹/۷۵	۲۱	۲۰	۲۰	۲۰
۷	۱۹/۵۰	۱۹	۱۹/۵۰	۲۲	۱۹/۷۵	۲۰	۱۹
۸	۱۹/۲۵	۱۹/۵۰	۱۹/۵۰	۲۳	۱۸	۱۸/۷۵	۱۹
۹	۱۵/۵۰	۱۸	۱۷/۵۰	۲۴	۱۹/۵	۱۹	۱۹/۷۵
۱۰	۱۹/۵۰	۱۶	۱۸/۵۰	۲۵	۱۸	۱۷	۱۹
۱۱	۱۹/۵۰	۱۵/۲۵	۱۵	۲۶	۲۰	۱۹/۵	۲۰
۱۲	۲۰	۱۹	۱۹	۲۷	۱۶/۷۵	۱۸/۵	۱۹
۱۳	۲۰	۲۰	۲۰	۲۸	۱۹	۲۰	۱۹/۵
۱۴	۱۶/۵۰	۱۹/۲۵	۱۸/۷۵	۲۹	۱۶	۱۸	۱۹
۱۵	۱۸	۱۸/۷۵	۱۴/۵۰	۳۰	۱۹	۲۰	۲۰

جدول ۱۵. نتایج گروهی که گرایش عاطفی دارند

ردیف	نمره ریاضی	نمره علوم زیست	نمره زبان	ردیف	نمره ریاضی	نمره علوم زیست	نمره زبان
۱	۵/۵۰	۷/۵۰	۹	۱۶	۷/۲۵	۸/۷۵	۱۲/۵۰
۲	۶/۵۰	۷	۷/۵۰	۱۷	۵/۷۵	۶/۵۰	۶/۵۰
۳	۴/۲۵	۶/۵۰	۷/۵۰	۱۸	۶	۱۰	۱۰
۴	۶/۲۵	۶/۷۵	۱۰	۱۹	۱۰	۹/۵۰	۹
۵	۴/۲۵	۳/۷۵	۶/۷۵	۲۰	۱۹	۱۴/۷۵	۱۴/۵۰
۶	۴/۷۵	۱۰	۱۲/۷۵	۲۱	۱۰/۲۵	۱۲/۲۵	۱۵
۷	۱۱	۱۱	۸/۷۵	۲۲	۱۱	۱۵/۲۵	۱۰
۸	۹	۸	۶/۷۵	۲۳	۱۰	۱۳	۱۱/۵
۹	۵/۵۰	۴	۷/۵۰	۲۴	۹	۱۵	۱۰/۲۵
۱۰	۱۲/۵۰	۳/۷۵	۱۰/۲۵	۲۵	۹	۹	۱۰
۱۱	۶/۵۰	۷	۸	۲۶	۱۲/۷۵	۱۱/۵	۸/۷۵
۱۲	۱۰/۵۰	۱۰/۲۵	۳/۵۰	۲۷	۱۱/۵	۱۲	۱۰

۱۲	۱۳	۱۴	۲۸	۷/۷۵	۶/۵۰	۵/۵۰	۱۳
۹	۱۱	۸	۲۹	۹/۵۰	۱۲/۵۰	۷/۵۰	۱۴
۸/۷۵	۷/۵	۵/۷۵	۳۰	۸/۷۵	۷	۴	۱۵

بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی تحقیق حاضر بررسی و شناسایی تأثیر گرایش‌های عاطفی آسیب‌زای دانش‌آموزان پسر (پایه اول دبیرستان) با جنس مخالف، بر افت تحصیلی است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین نمرات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارای گرایش عاطفی (۲۷/۱) کمتر از میانگین نمرات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی است که دارای گرایش عاطفی به جنس مخالف نیستند (۵۴/۷). گرایش‌های آسیب‌زای عاطفی دانش‌آموزان پسر (پایه اول دبیرستان) با جنس مخالف، سبب افت تحصیلی دانش‌آموزان در دروس ریاضی، علوم زیستی و بهداشت و زبان انگلیسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که: گرایش‌های آسیب‌زای عاطفی به جنس مخالف در افت تحصیلی درس ریاضی در دانش‌آموزان پسر پایه اول مؤثر است. نتایج آزمون آماری t -test نشان داد که مقدار t به دست آمده ($t = ۱۴/۱۲$) با درجه آزادی ۵۸ با سطح معناداری $p < ۰/۰۱$ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر است. بنابراین با بیش از ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که گرایش‌های عاطفی آسیب‌زا در افت تحصیلی درس ریاضی دانش‌آموزان مؤثر است. نتایج تحقیق با نتایج مطالعه حسن‌پور و دلاویز (۱۳۷۳) و کوثری (۱۳۷۴) همسو می‌باشد.

همچنین نتایج نشان داد که گرایش‌های آسیب‌زای عاطفی سبب افت تحصیلی درس علوم زیستی در دانش‌آموزان پسران پایه اول می‌شود. نتایج آزمون آماری t -test نشان داد که مقدار t به دست آمده ($t = ۱۲/۹۳$) با درجه آزادی ۵۸ در سطح معناداری $p < ۰/۰۱$ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر است. بنابراین با بیش از ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت گرایش‌های عاطفی آسیب‌زا در افت تحصیلی درس علوم زیستی دانش‌آموزان مؤثر است. نتایج تحقیق با نتایج مطالعه حسن‌پور و دلاویز (۱۳۷۳) و کوثری (۱۳۷۴) همسویی دارد.

یافته دیگر پژوهش این بود که گرایش‌های آسیب‌زای عاطفی درافت تحصیلی درس زبان در دانش‌آموزان پسر پایه اول مؤثر است.

نتایج آزمون آماری t-test نشان می‌دهد که مقدار t به دست آمده ($t = 15/58$) با درجه آزادی ۵۸ در سطح معناداری $p < 0/01$ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر است. بنابراین با بیش از ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که گرایش‌های عاطفی آسیب‌زا درافت تحصیلی درس زبان انگلیسی دانش‌آموزان مؤثر است. نتایج تحقیق با نتایج مطالعه سید نژاد (۱۳۸۰)؛ حسن‌پور و دلاویز (۱۳۷۳) و کوثری (۱۳۷۴) همسویی دارد.

همچنین نتایج نشان داد که گرایش‌ها آسیب‌زای عاطفی درافت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه اول دبیرستان مؤثر است.

نتایج آزمون آماری t-test نشان داد که: مقدار t به دست آمده ($t = 17/07$) با درجه آزادی ۵۸ در سطح معناداری $p < 0/01$ از مقدار t جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر است. بنابراین با بیش از ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که گرایش‌های عاطفی آسیب‌زا درافت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی اول دبیرستان مؤثر می‌باشد.

نتایج تحقیق با نتایج پژوهش‌های سلسبیلی و قاسمی (۱۳۸۴)؛ سید نژاد (۱۳۸۰)؛ حسن‌پور و دلاویز (۱۳۷۳) و کوثری (۱۳۷۴) همسویی دارد.

در گزارش نهایی اجلاس منطقه‌ای یونسکو آمده است، دوره متوسطه عبارت است از دوره انتقالی میان آموزش پایه که عمومی و غیرتخصصی است و آموزش تخصصی‌تر در سطح آموزش عالی؛ دوره انتقال میان کودکی و جوانی است و یک دوره میانی که به واسطه بسیاری از فشارهای روانی، جسمانی و مشکلات سازگاری، ویژگی‌های خاصی را به نوجوان و جوان می‌بخشد.

در دوره متوسطه قسمت اعظم استعدادهای خاص نوجوانان و جوانان بروز می‌کند، قدرت یادگیری آنان به حداعلای خود می‌رسد، کنجکاوای آنان جهت معینی می‌یابد و مسائل جدید زندگی نظیر انتخاب رشته، انتخاب حرفه و شغل، اداره خانواده و گرایش به مرام و مسلک، ذهن آنان را به خود مشغول می‌دارد و به مرحله ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می‌رسند.

دوره متوسطه از دوره‌های مهم و حساس و مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی آدمی است. دوره‌ای که به سبب وضع زیستی، اجتماعی و روانی دانش‌آموزان با سایر دوره‌های تحصیلی مشترکات و ممیزاتی دارد؛ و دوره‌ای است که گروه کثیری را برای ورود به جامعه و بازار کار مهیا می‌کند؛ این دوره در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، منبع اصلی تولید نیروهای انسانی نیمه‌ماهر است از این رو هر نوع نارسایی و خلل در این دوره مستقیماً بر عملکرد و کیفیت هر دو حلقه آموزش عمومی و عالی تأثیر بسزایی خواهد داشت (صافی، ۱۳۸۴).

دوره نوجوانی و جوانی از ۱۲ تا ۱۸ یا ۲۰ سالگی ادامه دارد و در پسر و دختر و افراد مختلف پایان آن فرق می‌کند. این دوره هم آخرین مرحله‌ی رشد و تربیت است و هم دوره‌ی است که با مراحل گذشته که معمولاً آن‌ها را بر روی هم دوره‌ی کودکی می‌نامند تفاوت فاحش دارد. از لحاظ زیست‌شناسی این دوره با بیداری عمل جنسی که از خلال پدیده بلوغ ظاهر می‌شود مقارن است.

نوجوانان به دلیل عدم آگاهی و کنش‌های مختلفی را از خود نسبت به پدیده‌های بلوغ نشان می‌دهند. خانواده‌هایی که به مسائل تربیتی و بهداشتی توجه دارند، قبل از فرارسیدن دوران بلوغ کودکان خود، آن‌ها را با مسائل بلوغ آشنا می‌سازند. داشتن اطلاعات لازم در این باره برای نوجوانان به خصوص برای پسران که نیاز وافر به این گونه اطلاعات دارند لازم است. نوع برداشت پدر و مادرها از مسأله‌ی بلوغ، در تربیت روانی، جسمانی، اجتماعی، عاطفی آنان تأثیر می‌گذارد. متأسفانه به دلیل ناآگاهی‌های خانواده‌ها و سایر مسئولان تربیتی، نوجوانان و جوانان ما در زمینه‌ی برخورد با مسأله‌ی بلوغ، مخصوصاً در زمینه‌ی بلوغ جنسی مشکلات عدیده‌ای دارند.

در زمینه‌ی نقش و تأثیر خانواده در تکوین و تکمیل شخصیت نوجوانان به لحاظ فردی و اجتماعی بررسی‌های زیادی انجام شده تا جایی که خانواده را به عنوان مدرسه اول نامیده‌اند، خانواده مدرسه‌ای است که بیش از نیمی از شکل‌گیری شخصیت و جهت‌گیری رفتارهای فرد در آنجا صورت می‌گیرد. پدر و مادر الگوسازان اصلی فرزندان به حساب می‌آیند. هرگونه رفتار آن‌ها در ارتباط با همدیگر با فرزندان مورد

تقلید آنان قرار می‌گیرد؛ و جهت‌گیری رفتاری فرزندان را مشخص می‌سازند بنابراین باید خانواده‌ها به همراه مسئولان تربیتی و آموزشی مدارس و با بهره‌گیری از خدمات تخصصی و با تدوین برنامه‌های مناسب نظیر گنجاندن واحدهایی تحت عنوان، آموزش خانواده و مهارت‌های زندگی و مدیریت تعارض باید در انتقال بهینه این دوران به این دسته از دانش‌آموزان کمک کنند تا از این طریق بتوانیم نیروهای مؤثری را جهت واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی و فردی برای جامعه‌ی آینده را تربیت کنیم. از آنجایی که مطالعه حاضر محدود به دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهرستان مرند است به علت موردی بودن تحقیق در تعمیم نتایج آن احتیاط لازم به عمل آید؛ و همچنین به دلیل این که پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای است در نتیجه، نتایج به دست آمده در راستای رابطه علی میان عوامل، مشکل به نظر می‌رسد. تعداد اندک پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت پذیرفته است موجب کم بودن اطلاعات به لحاظ پیشینه و یافته‌های دیگران شد.

منابع

- احمدی، علی اصغر. (۱۳۹۰). *تحلیل تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران*. تهران: انجمن اولیا و مربیان. چاپ سوم.
- حسن‌پور، جعفر و دلاویز، خلیل. (۱۳۹۳). بررسی علل تشدید گرایش و برقراری رابطه با غیر هم‌جنس از دیدگاه دانش‌آموزان. مرکز تحقیقات آموزش و پرورش استان مازندران.
- سلسبیلی، نادر و قاسمی، نرجس. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر شکست تحصیلی: نگاهی دوباره به عوامل درونی و بیرونی. *فصلنامه تعلیم و تربیت*. شماره مسلسل ۸۳
- سید نژاد، سید یوسف. (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر برافت تحصیلی در هنرجویان پسر دوره متوسطه (شاخه نظری) شهرستان بابل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۶). *فلسفه آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۴). *دنیای نوجوان*. تهران: تربیت، چاپ سوم.

صافی، احمد (۱۳۸۴). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه؛ تهران: انتشارات سمت.

کوثری، محمدرضا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه با جنس مخالف در دانش‌آموزان دختر دوره‌ی راهنمایی منطقه ۱۸ آموزش و پرورش تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد.

موریس، دبس. (۱۳۵۳). *بلوغ چه می‌داند؟*، ترجمه علی‌محمد کاردان. انتشارات صفی علیشاه. ۱۹۷۴

Azzam, A. M. (2012). Why Students Drop Outs. *Educational Leadership*, v64, n.7, p91-93.